

ورزش و سیاست

مصطفی ملکوتیان *

دانشیار گروه علوم سیاسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۸۷/۴/۴ - تاریخ تصویب: ۸۷/۸/۲۰)

چکیده:

در این پژوهش جنبه های مختلف رابطه ورزش و سیاست مورد توجه قرار گرفته و در پایان پیشنهادهایی برای بهبود ورزش کشور ارائه شده است. بر اساس این بررسی، رابطه ورزش و سیاست یک رابطه دو طرفه است؛ به گونه ای که از یک طرف سیاست از طریق تدوین و اجرای راهبرد ورزشی بر ورزش تاثیر دارد و از طرف دیگر ورزش از طریق تحکیم ارزش های انسانی و همبستگی ملی و افزایش مشارکت سیاسی بر سیاست تاثیر می نهد و البته خود نیز به ویژه در زمان برگزاری ورزش های بین المللی مورد استفاده قدرت های جهانی واقع می گردد.

واژگان کلیدی:

راهبرد ورزشی - ارزش های انسانی - همبستگی ملی - مشارکت سیاسی - اویاش گری - رسانه های ورزشی

مقدمه

همان‌گونه که در بررسی های علمی از رابطه میان فرهنگ و سیاست، جامعه و سیاست، اقتصاد و سیاست، جغرافیا و سیاست و مانند آن گفتگو می‌کنیم، می‌توانیم از رابطه متقابل ورزش و سیاست نیز گفتگو نماییم.

با اندک تدبری می‌توان به رابطه متقابل ورزش و سیاست پی برد و حتی همین که ما از سیاست ورزشی یک کشور سخن می‌گوئیم بازگو کننده چنین رابطه‌ای است. تاکنون پژوهشگران مختلفی در باره اهمیت سیاسی وایدئولوژیک ورزش نظر داده اند و از این نقطه نظر ورزش به دلیل امتیازهایی که برای برنده دارد حیطه رقابت و نزاع دیگری برای ملت ها و جوامع است و مشکل است که کسی قادر باشد بایک صدای مستقیم بگوید که ورزش ربطی به سیاست ندارد (Fernando Delgado, 2003).

دانشمندان علوم سیاسی، سیاست را علمی دانسته‌اند که با عناصری مانند قدرت، قدرت سیاسی، دولت و تصمیم‌گیری های خرد و کلان سر و کار دارد (Craig Calhoun / answers.com) and John McGowan, 1997/ wikipedia).

ورزش نیز حتی در زمان های گذشته که بیشتر جنبه فردی داشته و عاملی برای سلامتی، شجاعت، شادابی و تحرک بوده - و در ایران سرگرمی سالم نیز نام گرفته است - در اندیشه‌های سیاسی برای دولتمردان مفید و از دلایل ثبات و دوام سیاسی شمرده شده است. چنانکه افلاطون در کتاب **جمهور** در طرحی که برای مدینه فاضله خود ترسیم می‌کند، در کنار توصیه اکید به تعلیم و تربیت روحی صحیح بآبهره‌گیری از آموزش و انواع هنرها، خواستار تعلیم و تربیت جسمی صحیح می‌گردد که شامل بهره‌بری از ورزش و غذای سالم است. به نظر وی، همان‌گونه که تعلیم و تربیت روحی صحیح باعث بی‌نیازی به قاضی می‌گردد، تعلیم و تربیت جسمی صحیح نیز باعث شجاعت و تقویت پاسداران و حافظان کشور و در نتیجه افزایش توان و قدرت ملی گردیده افراد را از پزشک بی‌نیاز می‌کند (افلاطون، جمهور، کتاب‌های دوم و سوم / رضا جلالی، ۱۳۸۶).

رابطه ورزش و سیاست امروزه بسیار جدی تر از گذشته شده و ورزش نقشی مهم در تحولات فرهنگی اقتصادی و سیاسی دنیای معاصر یافته است.

این بررسی مقدمه‌ای است بر رابطه ورزش و سیاست و جنبه‌های مختلف این رابطه. بدیهی است که هر یک از عنوان‌ها و موضوعات این پژوهش خود شایسته یک بررسی و تحقیق مفصل می‌باشد.

رابطه ورزش و سیاست

رابطه این دو مفهوم را می‌توان از دو جنبه کلی مورد توجه قرار داد:

الف - برخی برداشت‌های نظری درباره رابطه ورزش و سیاست

پیر بوردیو (۱۹۳۰-۲۰۰۲) چهره مشهور علوم اجتماعی معتقد است که امر اجتماعی واقعیتی تفکیک ناپذیر است که نمی‌توان آن را صرفاً از یک دید، رویکرد و ابزار تحلیل کرد، بلکه باید ترکیبی پویا از رویکردهای جامعه‌شناختی، انسان‌شناختی، روان‌شناختی، اقتصادی و سیاسی پدید آورده و روش‌های پیمایشی را با روش تفسیری و کیفی ترکیب کرد (ورزش و قدرت، ۱۳۸۶).

بوردیو، امر ورزشی را که ظاهراً غیر سیاسی است، پهنه و میدانی برای رقابت بر سر قدرت می‌داند. به گفته وی، مردم داوطلبانه وارد سازمان‌های ورزشی گردیده و از طریق رقابت، خشونت خود را تخلیه می‌کنند. حکومت‌ها نیز سازمان‌های ورزشی را به رسمیت می‌شناسند تا از آن طریق به بسیج توده‌ها و فتح آنان بپردازند. پتانسیل قدرت در ورزش باعث می‌شود احزاب سیاسی، سندیکاها، کلیساها و مراکز سرمایه وارد این عرضه شوند (همان).

در اینجا توجه به یک نکته لازم است و آن، این که هر چند ورزش امری اجتماعی است، ولی در تحلیل این پدیده بر مبنای فرضیه‌ها و نظریه‌های علوم اجتماعی باید با احتیاط بیشتر نسبت به خیلی از امور اجتماعی دیگر برخورد کرد. زیرا در تحلیل پدیده ورزش باید بر مبنای تحلیل پدیده‌های بین رشته‌ای عمل کنیم؛ چرا که بدون شک امروزه ورزش به طور ویژه با فرهنگ، جامعه‌شناسی، روانشناسی، اقتصاد، سیاست و غیره پیوند یافته است. در حالی که در تحلیل پدیده‌های اجتماعی دیگر گاه می‌توان همزمان با توجه به شرایط دیگر، از یک عامل یا شرط (بسته به نوع پدیده) به عنوان عامل اصلی یاد کرد.

دیدگاه جامعه‌شناختی کارکردگرایی (Functionalism) نیز معتقد است ورزش با تخلیه هیجان‌ها و تنش‌ها و انرژی پرخاش‌گری افراد و تاکید بر ارزش‌های مثبت اجتماعی دارای نقش در جامعه‌پذیری سیاسی بوده باعث تقویت وحدت ملی و ثبات و تعادل اجتماعی می‌گردد. این دیدگاه بر این اعتقاد است که زمانی ثبات و تعادل اجتماعی حفظ می‌شود که ارزش‌ها و محیط با هم سازگار باشند و آن هم در صورتی است که از جمله ارزش‌های جامعه از طریق یک روند با کفایت جامعه‌پذیری به خوبی به نسل‌های جدید منتقل گردد (چالمرز جانسون، صفحات ۷۰ و ۷۱/نگاهی جامعه‌شناختی به تجمعات بعد از مسابقات ورزشی، ۱۳۸۴).

برخی افراد دیگر نیز گفته‌اند که ورزش تنها یک ماجرای ساده نیست، بلکه یک متن چند

لایه است که در شکل دادن هویتی جامعه نقش دارد (فرزان سجودی، ۱۳۸۶)

ب: تأثیرات مختلف ورزش بر عرصه سیاست در عمل

ورزش آن‌گونه که تجربه به ما می‌آموزد، دارای تأثیرات مختلف اجتماعی - سیاسی در ابعاد داخلی و بین‌المللی است. از جمله تا کنون نقش ورزش در تحکیم ارزش‌های اجتماعی، تقویت روح همبستگی ملی، افزایش مشارکت سیاسی مبارزه با استعمار و وابستگان آن و غیره آشکار بوده است.

این بحث را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

۱- نقش ورزش در تحکیم ارزش‌های انسانی در جامعه:

ورزشکاران و رفتار آنان گاه به عنوان الگو مورد توجه افراد قرار می‌گیرد و به عنوان یکی از عوامل جامعه‌پذیری عمل می‌کند.

از دوره‌های باستانی یکی از کارکردهای مثبت ورزش تایید و تاکید بر تعدادی از ارزش‌های مفید اجتماعی بوده است. به عنوان مثال، ورزش‌های باستانی - از جمله ورزش زورخانه‌ای - با قدمت ۳۰۰۰ ساله در ایران، مبتنی بر جوانمردی و فتوت، صفا و ادب و برخوردار از جنبه‌های فرهنگی، هنری و زیبایی‌شناسانه بوده در تقویت قدرت، استقامت و هماهنگی اسکلتی بدن موثرند. مشهور است که حتی در زمان یونان باستان در زمان برگزاری بازی‌های المپیک، میان دولتهای متخاصم آتش بس برقرار می‌شده است. (سید امیر حسینی، ۱۳۸۷)

همچنین به دلیل فرهنگ اصیل و غنی اسلامی و تاریخی کشور ما، پهلوانان ملی که دارای خصلت‌های اخلاقی خوب و کارکرد‌های فرهنگی و ارزشی بالاتر بوده‌اند در حافظه تاریخی کشور باقی مانده در انتقال مفاهیم نیز موثر بوده‌اند. پوریای ولی، غلامرضا تختی، حسین رضازاده و نیز ورزشکارانی که حاضر به مسابقه با رژیم نژادپرست و جعلی اسرائیل نگردیده‌اند از این دسته‌اند (حسن خلجی و دیگران، ۱۳۸۶، ص ۶۳).

علاوه بر این بر مبنای برخی نظریه‌های جامعه‌شناختی در شرایطی که ارزش‌های رسمی حاکم و تلاش‌های سمبلیک و ارزشی یک ورزشکار بر هم منطبق باشند، تلاش ورزشکاران باعث تحکیم ارزشی گردیده و از این طریق بر ثبات و تعادل اجتماعی سیاسی تأثیر مثبت می‌گذارد.

۲- نقش ورزش در تقویت هویت و همبستگی ملی و همگرایی قومیت‌ها:

هر چند پنج حلقه بازی‌های المپیک نماد سمبلیک همبستگی پنج قاره جهان نام گرفته است، اما ورزش در سطح بین‌المللی بیشتر یک رقابت - البته مسالمت‌آمیز - است تا

گسترش همبستگی جهانی میان ملت‌ها. در مقابل، ورزش در سطح بین‌المللی در تقویت و همبستگی ملی در داخل یک کشور موثر است.

اندیشمندان علوم اجتماعی و روانشناسی معتقدند که بخشی قابل توجه از شخصیت انسان‌ها در مدرسه و گروه‌های هم‌بازی شکل می‌گیرد. عمل در چهارچوب تیم‌های ورزشی در مدرسه گروه‌های هم‌بازی شکل می‌گیرد. عمل در چهارچوب تیم‌های ورزشی در مدرسه کوچک، باعث تقویت برخی از مفاهیم عمیق اجتماعی مانند هویت جمعی، تعاون، قانون‌پذیری، سازماندهی و همبستگی ملی می‌شود (خلجی و دیگران، پیشین، صص ۶۲-۶۳). در ورزش عشق به تیم تبدیل به میهن‌دوستی و دفاع از خاک وطن می‌گردد. **ویلکرسون** و **دودر** معتقدند که ورزش اجراکننده یکی از هفت وظیفه اثبات هویت و موجد روح جمعی است و مردم را به شیوه‌ای متحد برای دستیابی به اهداف مشترک متشکل می‌کند (همان، صص ۶۲).

از سوی دیگر، ورزش ساز و کار مفید و موثر برای نزدیک کردن خرده فرهنگ‌ها به یکدیگر است. در مسابقات جهانی اهتزاز پرچم و پخش سرود ملی یک کشور بدنبال پیروزی ورزشکاران وابسته به خرده فرهنگ‌های مختلف و یا فرهنگ اصلی آن کشور بازگوکننده و تاکیدکننده وحدت ملی در آن کشور است.

ورزش در سطح بین‌المللی به گونه‌ای دیگر نیز در تقویت هویت ملی موثر است بطوری که پیروزی تیم‌های ورزشی در میدان‌های جهانی باعث افزایش غرور ملی گردیده به طور خودجوش مردم را به سوی جشن و شادمانی می‌برد؛ به ویژه اگر این پیروزی بر یک دشمن قوی سیاسی و یا یک رقیب پرتوان ورزشی باشد که نمونه‌های آن به هنگام پیروزی تیم ملی فوتبال جمهوری اسلامی ایران بر تیم‌های ملی فوتبال آمریکا و استرالیا مشاهده شد.

۳- نقش ورزش در افزایش مشارکت سیاسی

آلموند و پاول در کتاب خود سیاست مقایسه‌ای (Comparative politics) فرهنگ سیاسی کشورها را در سه گروه پاروچیال (parochial)، ساجکتیو (subjective) و مشارکتی (participant) قرار می‌دهد. اولی نوعی از فرهنگ سیاسی است که در آن مردم نه به ورودی‌های سیستم (inputs) کاری دارند و نه به خروجی‌ها و قوانین (outputs). دومی مربوط به کشورهایی است که در آن مردم به ورودی‌ها کاری ندارند اما در مورد خروجی‌ها حساسند و در کشورهای نوع سوم افراد هم در مورد ورودی‌ها هم خروجی‌های سیستم حساس هستند (Almond Gabriel.A & powel G.Bingham, Jr, 1978, pp34 - 37). ورزش می‌تواند روی فرهنگ سیاسی یک کشور تأثیر گذارده در کشورهایی که بیشتر به دلایل فرهنگی مشارکت سیاسی عمومی وجود ندارد، گامی هر چند ضعیف به سوی فرهنگ سیاسی مشارکتی باز کند.

از سوی دیگر، پیشتازی نخبگان در ایفای نقش‌های مختلف اجتماعی و نقش آن در الگو شدن برای قشرهای مرتبط نیازی به استدلال ندارد. البته هر چند این امر در نقاط مختلف گیتی اتفاق می‌افتد اما بسته به شرایط فرهنگی، اقتصادی و سیاسی حاکم بر کشورها این الگو شدن متفاوت است، مثلاً در قاره آفریقا ورزشکاران به قهرمانان ملی آفریقای گرسنه تبدیل شده‌اند. ورود اعضای تیم ورزشی به عرصه سیاست، به طور طبیعی راه ورود هواداران آن تیم به این عرصه را باز می‌کند. به همین دلیل امروزه و در دنیای معاصر معمولاً در موقع انتخابات، جناح‌های سیاسی سعی می‌کنند ورزشکاران مشهور را در لیست انتخاباتی خود قرار دهند (محسن مقصودی، ۱۳۸۶) و حداقل اینکه سعی می‌کنند نظر حمایتی آنها از یک حزب یا شخص را به دست آورند.

اما نکته‌ای که باید در این جا مورد تاکید قرار گیرد لزوم دوری سیاستمداران از عزل و نصب‌ها و رقابت‌های مخالف مصالح و منافع ملی و توجه آنان به اجرای بی‌کم و کاست راهبردهای کشور در امور ورزشی است (جلالی، پیشین). هم چنین ورزشکاران ملی باید بر اساس منافع ملی از میان بهترین‌ها در هر ورزش برگزیده شوند (عقاب علی احمدی، ۱۳۸۶).

۴- نقش ورزش در مبارزه با استعمار و عاملان آن:

ورزش به دلیل داشتن ظرفیت و پتانسیل سیاسی و ارزش‌های بی‌آلایش توانسته است به وسیله دولت‌های ضد استعماری یا ورزشکاران ملل جهان سوم و استعمارزده در معرفی چهره کریه استعمار و عاملان آن ایفای نقش کند. مثال‌های آن بسیار است که از جمله می‌توان به اقدام سمبلیک مارادونا علیه اشغال جزایر آرژانتینی مالویناس توسط انگلیس (حمید مافی، ۱۳۸۶)، حرکت نمایی ورزشکاران سیاهپوست آمریکا در سال ۱۹۶۸ در زمان قرار گرفتن بر سکوی قهرمانی در مخالفت با نژادپرستی دولت این کشور علیه سیاهان، نبرد چریک‌های فلسطینی با ماموران امنیتی رژیم صهیونیستی در بازی‌های سال ۱۹۷۲ مونیخ (محمد رضا اسماعیلی، ۱۳۸۶)، تحریم بازی‌های المپیک مسکو و لس آنجلس از سوی جمهوری اسلامی ایران بترتیب به دلیل اشغال افغانستان توسط روس‌ها و زورگویی‌های آمریکا به کشورمان و عدم مسابقه ورزشکاران ایرانی با ورزشکاران رژیم صهیونیستی بدلیل نامشروع بودن موجودیت آن اشاره کرد. در مورد اخیر حتی احتمال حذف کامل ایران از بازی‌های المپیک ۲۰۰۴ وجود داشت، اما ورزشکاران کشورمان با این اقدام این پیام را به جهانیان دادند که ارزش‌های انسانی با هیچ مقام و رتبه و مدالی قابل تعویض نیستند.

۵- نقش تبعی و کاتالیزوری ورزش در فراهم کردن شرایط صلح بین

دولت‌ها:

ورزش و ورزش کاران گاهی به عنوان تسریع کننده در ایجاد رابطه میان دولت‌ها عمل کرده‌اند.

البته شاید ورزش به عنوان آخرین عامل در این رابطه مطرح باشد. به عنوان مثال، بازی پینگ پنگ میان جوانان چینی و آمریکایی در سال ۱۹۷۱ به برقراری رابطه سیاسی میان دو کشور انجامید، ولی نباید در بازگویی تاثیر این بازی در برقراری رابطه میان آمریکا و چین زیاده روی کرد. زیرا این امر پس از یک سری تغییر و تحولات سیاسی دارای اهمیت اتفاق افتاد:

با پیروزی انقلاب ۱۹۴۹ چین به رهبری مائوتسه تونگ و حمایت آمریکا از تایوان روابط دو طرف به شدت تیره گردید؛ به گونه‌ای که پس از پیروزی انقلاب، چین از سازمان ملل اخراج و کرسی آن به تایوان - یعنی بخشی کوچک و جزیره‌ای از کشور چین که با پیروزی انقلاب ۱۹۴۹، آقای چیانگ کای چک که حکومت اش را در چین از دست داده بود، با کمک غربی‌ها بدان گریخت- سپرده شد.

در این زمان، سیاست عدم شناسایی و سد نفوذ که غربی‌ها به ویژه آمریکایی‌ها در برابر چین دنبال می‌کردند، باعث یک بن بست دیپلماتیک در ارتباط با این کشور شد. ناکامی آمریکا در هجوم به چین در جریان جنگ کره در دهه ۱۹۵۰ م اندکی راه را برای برقراری دوباره رابطه باز کرد، اما بن بست روابط تا اوایل دهه ۱۹۷۰ م ادامه یافت. (بهباد شاهنده، ۱۳۷۰، ص ۷۸) بدین گونه که مشخص شدن نشانه‌های شکست آمریکادر نبرد ویتنام و نقش چینی‌ها در کمک رسانی به ویتنامی‌ها در جریان این نبرد، آمریکا را به این نتیجه رساند که برای فرار از مشکل ویتنام باید به چینی‌ها متوسل گردد. پس از آن چینی‌ها همراه با اخراج تایوان از سازمان ملل و به دست آوردن دوباره عضویت در این سازمان، حتی به کرسی دائم شورای امنیت سازمان ملل نیز دست یافتند.

تحولات در اتحاد شوروی و بلوک شرق کمونیست پس از به قدرت رسیدن میخائیل گورباچف در شوروی نیز زمینه فروریختن دیوار برلین و اتحاد دوباره دو آلمان را فراهم ساخت. در این میان دو آلمان در سال ۱۹۹۰ یک تیم مشترک روانه بازی‌ها کردند.

در عین حال، به دلیل ادامه سیاست‌های خصمانه دولت آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران، رفت و آمد و بازی تیم‌های ورزشی دو کشور تا کنون نتوانسته است نقشی در برقراری رابطه میان دو طرف داشته باشد.

۶- نقش رسانه‌های ورزشی

رسانه‌ها در جهان معاصر پیوندی ناگسستنی با سیاست و جامعه یافته‌اند. بنابراین در شکل دهی به افکار عمومی، فراهم کردن زمینه‌های ثبات و تعادل اجتماعی سیاسی و نقد و ارزیابی خط مشی‌های مسئولان امر در زمینه‌های مختلف از جمله امر ورزش نقشی عمده دارند.

در عین حال، به دلیل سختی تحلیل‌های علمی و جامعه‌شناختی وجود این گونه تحلیل‌ها در مطبوعات ورزشی اندک است، زیرا حتی ابتدائی‌ترین صورت‌های رفتار گروهی بسیار پیچیده است (عباس تیموری آسفیچی، ۱۳۸۴).

رسانه‌های ورزشی در صورتی که بر مبنای یک رویکرد ملی و وظیفه‌ای از پیش تعریف شده عمل کنند- هرچند هم چون جهان غرب از نظر تعداد نسبتاً محدود و وابسته به مراکز تجاری و قدرت‌ها و گروه‌های سیاسی باشند- می‌توانند نقشی مهم در پیش برد اهداف ملی ایفا کنند. رسانه‌های ورزشی اعم از مطبوعات و رادیو و تلویزیون برای ایفای نقش بهتر باید منابع اقتصادی و مالی کافی و نیروهای آموزش دیده متخصص در انواع ورزش‌ها داشته باشند (حمید قاسمی، ۱۳۸۶) تا بتوانند با تحلیل‌ها و بررسی‌های حرفه‌ای و ارائه راه‌کارها و پیشنهادات اجرایی، راه را برای ارتقای سطح ورزش یک کشور باز کنند و بدینوسیله با تقویت و تحکیم غرور و همبستگی ملی، دستیابی به اهداف و منافع ملی را هموار سازند.

رسانه‌های ورزشی باید زمینه‌های رقابت سالم میان تیم‌ها را که نقشی مهم در پیشرفت ورزش یک کشور دارد را فراهم و از بزرگ‌نمائی و کوچک‌نمائی‌های مغایر با اهداف و راهبردهای ملی در ورزش بپرهیزند و در زمانی که مسابقات مهم‌تر جهانی مطرح است همگی در کنار مسئولان ورزشی قرار گیرند و به‌گونه‌ای وارد عرصه نقد و ارزیابی عملکرد آن‌ها شوند که کسی نتواند تلاش‌های آنان را علیه اهداف ملی تفسیر کند.

۷- تجاری شدن جهانی ورزش و ارتباط آن با سیاست

امروزه به دلیل ارزش بزرگ تبلیغاتی و برد جهانی ورزش، برگزاری مسابقات جهانی برای کشور و منطقه میزبان منافع بزرگ اقتصادی - از طریق ورود توریسم، آگهی‌های تبلیغاتی تجاری، ورود اسپانسرها به صحنه ورزش و غیره در بردارد.

سیمون چادریک استاد رشته استراتژی تجاری ورزش و بازاریابی در دانشگاه کانورتی (Convertry) مجموع درآمد ناشی از بازی‌های یورو ۲۰۰۸ را ۱/۴ میلیارد یورو برآورد کرده است. همچنین طبق اطلاعات موجود فروش شرکت آدیداس که اسپانسر جام جهانی ۲۰۰۶ بود در زمان بازی‌ها ۳۶٪ افزایش یافت (تبعات آشکار اقتصادی و پنهان سیاسی جام ملت‌های اروپا، ۱۳۸۷).

تجاری شدن از ویژگی های شاخص ورزش دوره معاصر است. از نیمه دوم قرن ۲۰ رونق اقتصادی در غرب و لزوم داشتن بازار برای فروش کالاها در سطح بین المللی و داخلی، سرمایه گذاران را به فکر بهره گیری از پتانسیل اقتصادی ورزش انداخت. ارتباط اقتصاد و ورزش را رسانه ها برقرار کردند و انقلاب ارتباطاتی بیش از پیش این مسیر را هموار کرد. اکنون در بسیاری از کشورهای صنعتی ورزشگاهها و باشگاهها و رویدادهای ورزشی با نام شرکت های بزرگ تجاری شناخته می شوند (رحمتی، بی تا) و می دانیم که شرکت های تجاری بزرگ در پشت ماجرای سیاست در غرب قرار دارند.

۸- بهره گیری قدرت های بین المللی از ورزش

چهره و پتانسیل سیاسی ورزش البته مورد استفاده قدرت های بزرگ و استعمارگر نیز قرار می گیرد. شاید این دیدگاهی معتبر باشد که بگوئیم قدرت های جهانی ورزش را همچون سازمان های بین المللی از قبیل سازمان ملل متحد در تسخیر خود گرفته اند و ورزش به وسیله ای در جهت گسترش هژمونی و سلطه جهانی آنها تبدیل گردیده است. بنابراین اگر روزگاری رقبای جهان سومی آنها در میدان های مختلف ورزشی بر آنها پیشی گیرند، احتمال کم اهمیت نمودن ورزش ها و حتی تلاش آنها برای حذف مسابقات جهانی وجود خواهد داشت. از سوی دیگر، امروزه برگزاری مسابقات جهانی منافع مستقیم برای این قدرت ها دارد، این امر از نقش قدرت های بزرگ در تعیین مکان و کشور بازی هایی مانند المپیک (که برگزاری آن همیشه با سیاست آغشته بوده است)، جام جهانی فوتبال و غیره آشکار است. این نکته با اهمیتی است که این سخن غربی ها به هنگام پذیرش پکن به عنوان مکان برگزاری بازی های المپیک ۲۰۰۸ که چین به سرعت در حال تبدیل شدن به یک کشور باز و میانه رو است، یک ریاکاری آشکار و برای سرپوش گذاردن به بده و بستان های سیاسی میان آن دو بوده است (دومینیک مویزی، ۲۰۰۸).

مثال دیگر در این زمینه برقراری ارتباط میان هنری کیسینجر مرد قدرتمند سیاسی آمریکا و رئیس فدراسیون جهانی فوتبال (فیفا) و تاثیر آن بر پذیرش میزبانی آمریکا برای جام جهانی سال ۱۹۹۴ فوتبال بود.

بهره گیری قدرت ها از ورزش در سطح بین المللی در نمونه های زیر دیده می شود:

۱- در المپیک ۱۹۳۶ برلین، تبلیغات آلمان هیتلری به منظور نشان دادن چهره ای صلح طلب از خود گسترده بود. در این بازی ها آلمان ها بیشتر مدال ها را به دست آوردند و بازدیدکنندگان نظم و سازمان دهی و مهمان نوازی آنان را ستودند. آلمان از سال ۱۹۳۹ با حمله به لهستان جنگ دوم جهانی را آغاز کرد (همان).

۲- دولت های غربی به هنگام آغاز بازی های المپیک ۲۰۰۸ پکن به مشوش کردن افکار عمومی جهانی و بهره برداری سیاسی پرداختند. در این هنگام تبلیغات گسترده ضد چینی آنها حول دو محور کمک چین به دولت سودان در مبارزه علیه شورشیان منطقه نفت خیز دارفور و سرکوبی شورشیان تبت توسط جمهوری خلق چین قرار داشت. هدف آمریکا و مجموعه غرب از این تبلیغات گرفتن امتیاز از چین در قضایای مختلف جهانی و کاهش بهره برداری های سیاسی چینی ها از برگزاری این مسابقات در کشورشان بود. البته چین نیز بازی های المپیک را فرصتی نمادین برای استحکام بخشی و بالا بردن جایگاهش در جهان می دید (همان).

۹- سایر موارد:

تاثیر ورزش بر عرصه سیاست به گونه های مختلف دیگر نیز دیده شده است. با توجه به میزان توجه عمومی به ورزش در یک کشور و نوع رژیم های سیاسی، این پدیده به هنگام پیروزی یا شکست در سطح بین المللی گاه تاثیرات قابل توجهی بر شرایط سیاسی می گذارد. به عنوان مثال پیروزی تیم ملی فوتبال برزیل در مسابقات جام جهانی ۱۹۷۰ و تیم ملی فوتبال آرژانتین در مسابقات جام جهانی ۱۹۷۸ توانست دیکتاتوری های نظامی حاکم بر این کشورها را برای مدتی حفظ کند.

ج: راهبرد ورزشی؛ برخوردار از شباهتی خیره کننده با راهبرد سیاسی

با دقت در شرایط و وضعیت سیاست و راهبردهای خارجی کشورها و ورزش، به یک مشابهت خیره کننده میان ورزش به ویژه ورزش های جمعی مانند فوتبال و سیاست می رسیم و انگار ورزش برای دست یابی به هدف از نسخه سیاست به ویژه در روابط خارجی، پیروی می کند. در پیش برد سیاست خارجی کشورها استراتژی نویسی امری مرسوم است؛ یعنی بررسی تمام حالاتی که رقیب ممکن است برای دست یابی به اهدافش تعقیب کند و آماده شدن برای مقابله برنامه ریزی شده و موفق در مقابل هر یک از آن حالات و تدوین راهبرد ویژه ای برای رسیدن به هدف های سیاست خارجی کشور. در ورزش های جمعی و به ویژه در فوتبال برای بازی در مقابل رقیب راهبرد خاصی با توجه به وضعیت و توانایی تیم مقابل برگزیده می شود، مثلاً مربیان فوتبال راهبردهای ۵-۴-۱ یا ۴-۴-۲ و غیره را برمیگزینند و بازیکنانشان را به بهره گیری از تاکتیک های ویژه در ضمن بازی مجبور می کنند.

راهبرد یعنی روشی که سیاستمداران یا مربیان تیم های ورزشی برای دستیابی به هدف برمیگزینند. راهبرد برای یک مرحله تنظیم می شود و بنابراین باعوض شدن آن مرحله (تغییر

راهبرد رقیب و غیره) می‌تواند بر حسب شرایط جدید تغییر کند. این وضعیت آشکارابیش از هر نهاد اجتماعی دیگری میان سیاست و ورزش با یکدیگر شبیه است (مصطفی ملکوتیان، ۱۳۸۱).

به طور خلاصه، راهبرد های ورزشی از نظر منشا ایجاد و اهمیت بر دو گونه اند:

۱- نوع مهم‌تر، **راهبرد های کلان** مربوط به ورزش کشور به طور کلی و نیز هریک از ورزش‌ها در کشور است که نشان دهنده نقش ساختار ورزشی نظارتی دولت است. با توجه به این امر به نقش و تاثیر تعیین کننده سیاست بر ورزش پی می‌بریم. در همین راستاست که نوع ورزش‌هایی که باید بیشتر مورد توجه قرار گیرند، میزان امکاناتی که باید به ورزش اختصاص داده شود، نحوه توزیع این امکانات در مناطق مختلف آن کشور از جمله ساختن ورزشگاه‌ها و غیره نشانه‌گذاری می‌شود.

۲- نوع دیگر، عبارت است از راهبردهای مربوط به پیشبرد اهداف تیم‌ها، که باید در چارچوب اهداف و راهبرد های ورزشی کشور توسط هر یک از تیم های ورزشی تدوین و اجرا گردد.

د- اوباشگری تماشاچیان

هر چند از آغاز پدیده خشونت و اوباش‌گری همواره با فوتبال و در حد کمتری با برخی رشته های ورزشی دیگر همراه بوده است، اما جامعه‌شناسان از دهه ۱۹۶۰ به بررسی این پدیده پرداخته‌اند.

اغتشاش‌گران ورزشی در نقاط مختلف جهان از الگوی رفتاری یکسانی تبعیت نمی‌کنند. از سوی دیگر، عوامل گوناگونی در بروز این پدیده نقش دارد که این امر بسته به کشورهای مختلف متفاوت است. به عنوان مثال، در انگلستان طبقه اجتماعی، در اسکاتلند و ایرلند فرقه-گرایی مذهبی (پروتستان گرائی و کاتولیک‌گرائی)، در اسپانیا ملی‌گرایی و تکثر قومی، در ایتالیا تبعیض‌های اقتصادی اجتماعی و در آفریقا خصومت‌های قومی و قبیله‌ای عامل مهم بروز این پدیده اند. (رحمتی، پیشین)

البته در این زمینه برخی مشابهت‌ها نیز در سرزمین های مختلف دیده می‌شود که عموماً عبارتند از:

- ۱- شکل گرفتن رفتارهای خشونت آمیز در داخل ورزشگاه‌ها و در سطح رقابت های باشگاهی و کشاندن آنها به محیط های خارج از ورزشگاه‌ها .
- ۲- تأثیر فرآیندهای جهانی شدن بر شعارهای اوباشگری مانند تأثیر الگوهای بریتانیایی اوباش‌گری روی گروه های اوباش اروپای شمالی و تأثیر الگو های اوباش‌گری آمریکای جنوبی بر گروه های اوباش اروپای شمالی و غیره.

- ۳- خاستگاه طبقاتی پایین، بیکاری، بیسوادی و جوان بودن اغتشاشگران. (همان)
 از نظر نویسندگان سایر عوامل بروز پدیده پرخاشگری در ورزش عبارتند از:
 - واکنش‌های سخت‌گیرانه و نسنجیده نیروهای حافظ نظم
 - دگرگونی در الگوهای اوقات فراغت جوانان
 - گسترش شهرنشینی، که باعث افزایش آگاهی‌ها و انتظارات افراد می‌گردد.
 - توجه افراطی رسانه‌ها به فوتبال (همان)

فرضیه‌هایی در باره آشوب‌های ورزشی و کنترل آن‌ها:

اغتشاشات ورزشی معمولاً حرکت‌هایی کوتاه مدت و عکس‌العملی‌اند که از حمایت مردمی برخوردار نیستند.
 به نظر نگارنده در ایجاد آشوب‌های ورزشی بسته به شرایط موجود یک یا تعدادی از عوامل زیر ایفای نقش می‌کنند:

- ۱- **باخت تیم مورد علاقه بر خلاف انتظار (و از دست دادن امید به موفقیت تیم) -**
 دانشمندان روان‌شناسی اجتماعی معتقدند که افزایش انتظارات به هردلیل که رخ دهد و روند حوادث پس از آن - چه به دلیل بهبودی طولانی مدت پس از یک دوره رکود و عدم تحرک و سپس ایجاد یک رکود کوتاه مدت سریع و چه به دلیل احساس محرومیت نسبی پس از افزایش انتظارات که می‌تواند به صورت محرومیت‌های صعودی، نزولی و بلندپروازانه ظاهر شود - می‌تواند ایجادکننده آشوب و ناامنی باشد (James Davies, 1970, pp151-152).
- ۲- **نگرانی تماشاچیان یا هواداران تیم ورزشی از نحوه عملکرد مربیان تیم، نحوه قضاوت داوران در بازی و غیره -** گاهی عملکرد بدون برنامه یا غیر منطقی و غیرمرسوم مربیان و گاه قضاوت آشکارا اشتباه داوران در ایجاد آشوب ورزشی نقش دارد. البته تماشاچیان به دلیل علاقه بالایی که در مسیر زمان نسبت به یک تیم بدست آورده‌اند، معمولاً به دنبال ارائه پاسخ‌های سریع به سوالات مربوط به علل شکست و ناکامی تیم هستند و بنابراین به سرعت تقصیرها را متوجه مربیان یا نحوه قضاوت داوران و غیره می‌کنند.
- ۳- **احساس قدرت کاذب توسط اوپاش به دلیل حضور جمعی از طرفداران یک تیم در یک مکان -** اوپاش معمولاً وقتی به دور از هم هستند از ترس گرفتار شدن در چنگال قانون مواظب رفتار خود هستند، اما زمانی که به طور موقتی حضور نیروی پلیس را در یک مکان کمتر دیده با امکان ناپدید شدن در جمعیت پس از آشوب‌گری مواجه می‌شوند ممکن است به آشوب ورزشی کشیده شوند.
- ۴- **تاثیر رسانه‌های ورزشی به گونه‌های مختلف -** برخی رسانه‌های ورزشی برای جذب مخاطب و فروش بیشتر دست به بزرگ‌نمایی اخبار، انتشار برخی شایعات ورزشی،

مقایسه‌های غیر منطقی میان تیم‌های داخلی و خارجی و غیره می‌زند که می‌تواند بخشی از افکار طرفداران تیم ورزشی را تحت تاثیر قرار دهد.

علاوه بر چهار فرضیه بالا که در باره علل وقوع آشوب ورزشی بیان گردید، ما می‌توانیم سه فرضیه دیگر را در باره **روش‌ها و اهرم‌های موثر بر کنترل این آشوب‌ها** بیان نماییم:

۱- هر قدر حضور اهرم‌های کنترل‌کننده از قبیل **نیروی پلیس، دوربین‌های مدار بسته** و غیره بیشتر باشد، میزان و شدت این آشوب‌ها کمتر خواهد بود. زیرا این امر هزینه آشوبگری اوباش را افزایش می‌دهد.

۲- هر قدر **آبرو و حیثیت اجتماعی** افراد اغتشاش‌گر پس از آشوب بیشتر مورد **تهدید** قرار گیرد، افراد کمتری حاضر به شرکت در این قبیل حوادث خواهند شد.

۳- در صورت اثبات این قاعده برای افراد که کسانی که در این حوادث دست به تخریب اموال عمومی می‌زنند، **حتما و همیشه** شناسائی و به دست قانون سپرده می‌شوند و مجبورند **هزینه و جریمه** رفتار خود را بپردازند، رغبت بسیار کمی برای شرکت در این آشوب‌ها وجود خواهد داشت.

۴- به دلیل **رسمیت تیم‌های ورزشی** و ارتباط آن‌ها با ساختارهای دولتی، می‌توان از طریق مقامات رسمی تیم‌های ورزشی، تماشاچیان را به لزوم حفظ و حراست از اموال عمومی و حفظ آرامش دعوت کرد.

خوشبختانه **اوباشگری تماشاچیان فوتبال در ایران** تا کنون به یک معضل اجتماعی تبدیل نشده و این پدیده تنها در چارچوب محیط ورزشگاهی تجلی یافته و از نظر میزان خشونت نیز بسیار خفیف و فقط کلامی بوده است (عدم بروز قتل و آسیب‌های جدی در این امر). به عبارت دیگر، این پدیده در ایران تحت تأثیر عوامل ساختاری و نهادی یعنی تفاوتی طبقاتی، دینی و قومی شکل نگرفته و بیشتر تحت تأثیر عوامل وضعیتی بوده است. شاید علت خشونت علیه اموال عمومی (وندالیسم) عدم وجود تمهیدات مناسب به هنگام خروج تماشاگران تهرانی از ورزشگاه، نقش رسانه‌های ورزشی، بهره‌گیری از اتوبوس‌های اسقاطی و سوء کارکرد برخی متغیرها ی دیگر باشد (رحمتی، پیشین).

چند پیشنهاد:

در پایان این بررسی چند پیشنهاد برای بهبود ورزش کشور ارائه می‌شود:

۱- هر سازمان و تشکیلاتی برای موفقیت علاوه بر داشتن منابع مالی لازم باید دارای سه امر مهم **هدف** (با توجه به ویژگی‌های دینی، فرهنگی، اجتماعی و جغرافیائی کشور خود)، **راهبرد (های) زمان‌دار** و **سیستم بازخورد** باشد. اگر عالی‌ترین نهاد تربیت بدنی در هر کشور

که در واقع در اختیار دولت و قدرت سیاسی قرار دارد، اهداف خوب و راهبرد های مناسب برای دست یابی به اهداف و یک سیستم بازخورد توانا پدید آورد و بر مبنای آن عمل کند، به موفقیت دست خواهد یافت. نمونه آن چینی‌ها بودند که برای المپیک ۲۰۰۸ و درو کردن مدال‌های آن برنامه ریزی کردند، هر چند نظام سیاسی اقتصادی مارکسیستی داشتند.

آن‌ها از ۱۶ سال پیش از آغاز بازی های المپیک پکن برنامه ریزی کرده با اصلاح سیستم ورزش خود - که رفت و آمد مدیران خلی در آن ایجاد نمی کند - به نتایج خوبی دست یافتند (هادی ساعی، ۱۳۸۷).

۲- اصولاً توسعه یک امر کلی و دارای جنبه‌های مختلف فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، علمی فناوری، پزشکی، ورزشی و غیره است. توسعه در یکی از موارد، ممکن است موقتی و کوتاه مدت باشد؛ هر چند به دلیل برنامه‌ریزی در بعضی کشورها توسعه در برخی ورزشها - مانند فوتبال در چند کشور آمریکای لاتین - نهادینه شده است. نمونه ترکیه و کسب مقام سوم در جام جهانی سال ۲۰۰۲ فوتبال که به طور مشترک در کشورهای کره جنوبی و ژاپن برگزار شد نیز از این قبیل بوده است. تنها برنامه‌ریزی مستقل توسعه فراگیر می‌تواند توسعه طولانی مدت را به دنبال آورد.

در این جا وقتی از کلی بودن امر توسعه و توجه به جنبه های مختلف آن سخن می‌گوئیم، منظور ما الگو پذیری از فرهنگ، جامعه، اقتصاد و سیاست غرب نیست؛ زیرا توسعه امری تک خطی نیست و تنها از یک مسیر صورت نمی پذیرد. از نظر نگارنده دست یابی به الگوئی از جامعه که در اسلام معرفی شده و جنبه های مختلف آن - فرهنگ، اخلاق، اجتماع، سیاست و اقتصاد - در اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ترسیم گردیده است، برترین نوع یک جامعه توسعه یافته در میان الگوهای متفاوت می باشد.

۳- بر این اساس، پیچیدن نسخه‌های مربوط به پیشرفت کشورهای غربی در ورزش برای کشورهای دیگر چندان نتیجه بخش نخواهد بود. از جمله مساله تجاری شدن ورزش حرفه‌ای حاصل ایدئولوژی، سیاست و اقتصاد غرب است و با توجه به این که مشرق زمین اساساً به گونه دیگری فکر می‌کند، نباید مدام الگوهای پیشرفت ورزشی غرب را گوشزد کرد.

از سوی دیگر، احیای ورزش های بومی و ایجاد نوعی تعادل میان ورزش های جدید و بومی می‌تواند در تاکید بیشتر به ارزش های مفید اجتماعی و معرفی آنها به نسل های جدید موثر افتد (عبدالحمید احمدی، ۱۳۸۱).

۴- پژوهش های علمی مبنای اولیه و لازمی برای تدوین راهبرد های ورزشی، کنترل خشونت ورزشی و غیره می‌باشند. این پژوهش ها باید در جنبه های مختلف و روی ورزشکاران، تماشاچیان، نتایج رویکرد ها و برنامه های ورزشی در گذشته و حتی علل موفقیت

و شکست تیم های ورزشی سایر کشورها و با نگرشی به آینده صورت پذیرفته، نتایج منطقی آن مورد توجه برنامه ریزان ورزشی و مربیان تیم های ملی ورزشی قرار گیرد.

۵- رسانه های ورزشی کشور نباید در اهمیت دادن به ورزش و به ویژه انواع خاص ورزش مانند فوتبال اغراق کنند. غرب با گسترش جنون مسابقات، ورزش را برای نسل های جدید به بت تبدیل کرده است. هرچند گرایش جامعه به ورزشکاری، ورزشکاران و ورزش امر بسیار مفید و پسندیده ای است، اما توجه به ورزش در رسانه ها باید تنها به عنوان یکی از نهادهای اجتماعی و همراه با جنبه های دیگر از جمله توسعه فرهنگی صورت گیرد. تحلیل های رسانه ها نیز باید علمی و به دور از حب و بغض و تنها به منظور ارتقای سطح ورزش کشور صورت پذیرد.

با تبدیل ورزش به بت جدید، پیروزی یا شکست تیم مورد نظر بر حسب مورد باعث ایجاد پدیده اغتشاشگری و ضررهای بی منطق می شود.

۶- امروزه یکی از زمینه های پیشرفت ورزش در یک کشور ایجاد امکانات مربوط به ورزش همگانی، دائمی و تعطیل ناپذیر است. فضای ورزشی مناسب و دارای مربی و آموزش درست و نگرش عمومی به ورزش به عنوان بخشی از زندگی و مرتبط با سایر اجزای جامعه، یک راهکار بنیادی برای توسعه ورزش کشور است.

منابع و مأخذ:

الف. فارسی:

۱. احمدی. عبدالحمید، "ورزش پدیده ای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و یا اقتصادی؟"، ۱۳۸۱ در: <http://www.iranpress.ir/farhang/Template1/News.aspx?NID=188>
۲. اسماعیلی. محمد رضا، "جامعه شناسی ورزش و سیاست در ایران"، ۱۳۸۶ در: http://sociologyofiran.com/index.php?option=com_content&task=view&id=506&Itemid=65
۳. افلاطون، جمهور، ترجمه فواد روحانی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۳۵
۴. "تبعات آشکار اقتصادی و پنهان سیاسی جام ملت های اروپا"، ۸۷/۴/۱ در: https://www.aftab.ir/articles/sport/football/c6c1214394701_euro_2008_p1.php
۵. تیموری آسفیچی. عباس، "درآمدی بر جامعه شناسی ورزش"، ۱۳۸۴ در: <http://www.fasleno.com/archives/000308.php>
۶. جانسون. چالمرز، تحول انقلابی، ترجمه حمید الیاسی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۳
۷. جلالی. رضا، "سیاست و عشق ریاست فوتبال"، ۱۳۸۶ در: <http://www.mardomsalari.com/template1/News.aspx?NID=800>
۸. حسینی. سید امیر، "ورزش باستانی و ارتباط آن با سنت و مدرنیته"، سایت باشگاه اندیشه: <http://bashgah.net/pages-5343.html>
۹. خلجی. حسن، بهرام، عباس و آقاپور. سید مهدی، اصول و مبانی تربیت بدنی و علوم ورزشی، تهران: سمت، ۱۳۸۶.
۱۰. رحمتی، "ورزش کشور نیز با تاخیر فرهنگی روبروست"، در: http://sociologyofiran.com/index.php?option=com_content&task=view&id=506&Itemid=65
۱۱. ساعی. هادی، "ورزش را به سیاست ترجیح می دهیم"، ۸۷/۶/۱۴ در: <http://www.tebyan.net/Sports/InterviewWithSportsmen/2008/9/4/73738.html>

۱۲. سجودی. فرزانه، "فوتبال ورزشی فلسفی"، در:
https://aftab.ir/articles/sport/football/c6c1185009578_footbal_p1.php
۱۳. شاهنامه. بهزاد، انقلاب چین، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۰
۱۴. علی احمدی. عقاب، "آیا ورزش تنها یک ابزار سیاسی است؟"، ۸۷/۱۰/۲، در:
<http://rouznamak.blogfa.com/post-418.aspx>
۱۵. قاسمی. حمید، "نقش رسانه‌های ورزشی در توسعه ورزش"، ۸۶/۸/۲۸، در:
<http://www.tebyan.net/Sports/SpecialReports/SpecialReports/2007/11/19/53884.html>
۱۶. مافی. حمید، "توپ سیاست در زمین ورزش"، ۸۶/۶/۲۵، در:
<http://hadisnews.com/?type=dynamic&lang=1&id=1757>
۱۷. مقصودی. محسن، "ورزش، اسیر سیاست بازی"، سرمقاله سیاست روز ۲۱/۸/۸۶، در:
<http://www.edalatkhahi.ir/001001.shtml>
۱۸. ملکوتیان. مصطفی، "بررسی چگونگی اتخاذ استراتژی"، ۱۳۸۱، در:
http://www.malakootian.ir/index.php?option=com_content&task=view&id=26&Itemid=38
۱۹. مویزی. دومینیک، "ورزش و سیاست"، ترجمه علی محمد طباطبائی، می ۲۰۰۸:
<http://goftman.wordpress.com/2008/05/05/%D9%88%D8%B1%D8%B2%D8%B4-%D9%88-%D8%B3%DB%8C%D8%A7%D8%B3%D8%AA/>
۲۰. "نگاهی جامعه‌شناختی به تجمعات بعد از مسابقات ورزشی"، خرداد ۱۳۸۴، در:
<http://www.avalinkhabar.com/?p=102>
۲۱. "ورزش و قدرت"، ۸۶/۱/۲۷، در:
<http://www.fakouhi.com/node/775>

ب. خارجی:

- <http://www.answers.com/topic/politics>
- Calhoun Craig and McGowan John, editors, Hannah Arendt and the Meaning of Politics, 1997, in: http://www.upress.umn.edu/Books/C/calhoun_hannah.html
- Davies James C., "Toward a Theory of revolution" in: Kelly George A. & Brown Clifford W. (eds), *Struggles in the state*, New York: John Wiley and Sons, 1970
- Delgado Fernando, The Fusing of Sport & Politics; Media Constructions of U.S Versus IRAN at FRANCE 98, *Journal of Sport & Social Issues*, Volume 27, No 3, August 2003
- <http://en.wikipedia.org/wiki/Politics>
- Gabriel A. Almond & G. Bingham, Jr powel, *Comparative politics*, Boston: Little Brown and company, 1978

از این نویسنده تاکنون مقالات زیر در همین مجله منتشر شده است:

«انقلاب: پیشینه نظری موضوع و پیشنهاد یک مدل راهنما»، شماره ۳۳؛ «انقلاب از آغاز تا فرجام: مروری بر ویژگی‌های هفتگانه مشترک انقلاب‌ها»، شماره ۵۷؛ «تأثیرات منطقه‌ای و جهانی انقلاب اسلامی ایران»، شماره ۶۱؛ «مقدمه‌ای بر جغرافیای سیاسی و اهمیت استراتژیک ایران»، شماره ۶۳؛ «انقلاب‌های رنگی» در آسیای مرکزی و قفقاز و تمایز آنها از انقلاب‌های واقعی»، شماره ۴، سال ۱۳۸۶؛ «امام خمینی (ره) و رویدادهای بزرگ ایران معاصر (پیش از انقلاب اسلامی)»، شماره ۳، سال ۸۷.